

## موضع جناب راوش و موضع جناب پدرام چرا موضع ما نیست؟

«...کویر بزرگ و بزرگ تر می شود...»

وای بر آن که کویر را پنهان می دارد»

''' نیچه '''

### « ننگ و نام »

بحثی با نویسنده پُرکار جناب سلیمان راوش

قسمت اول

بخش چارم

بند دوم

۵

خوب؛ و یک گام فراتر می نگریم

چگونه است که پدرام از یکطرف «یک دولت اشغالگر بنام ایالات متحده امریکا» و «دولت دست نشانده» و «رابطه یک کشور اشغالگر و یک کشور اشغال شده»<sup>۱</sup> می گوید؛ و مدعی شده است که «مسعود را امریکایی ها کشتند»؛ اما از طرف دیگر می گوید «حاضر هستیم با امریکایی ها در باره فدرالی ساختن افغانستان مذاکره کنیم» و «با امریکا بخاطر این مخالف هستیم، که از پشتون ها حمایت می کند!!!»<sup>۲</sup>

یعنی چی؟؟

چگونه است که پدرام کنش امریکا در افغانستان را به یک قوم خاص معطوف می سازد؟ نمی پرسیم که مگر امریکایی ها از پشتون ها حمایت کرده اند و یا می کنند؟ این سوال نیاز به پاسخ گفتن ندارد؛ اما منظور پدرام چیست؟ آیا پدرام می گوید که اگر امریکایی ها از پشتون ها حمایت نکنند، جناب پدرام با امریکایی ها مشکلی ندارد؟

<sup>۱</sup>- پدرام؛ ۲۰۱۶، ۴، ۱۱

<sup>۲</sup>- پدرام؛ ۲۰۱۷، ۱۲، ۱۰

وانگهی مگر امریکایی‌ها نبودند که شورای‌نظار را به قدرت رسانیدند؟ مگر یوش باربار نگفت که شورای‌نظار متحد ماست؟ مگر آن جنرال امریکایی نگفت که مهم‌ترین اشتباه امریکا به قدرت رسانیدن شورای‌نظار در افغانستان بود؟

گیریم این‌ها همه تبلیغات هستند؛ اما اگر پدرام در گپ‌هایی که می‌گوید، صادق است، پس چگونه است که جناب پدرام فدرالی ساختن افغانستان را از امریکایی‌ها تقاضا می‌کند؟ مگر پدرام مدعی نبود که تقاضا برای فدرالی ساختن افغانستان یک تقاضای خود مردم تاجک است که امروز سبا صیب برای آن «انشاءالله» قیام می‌کنند؟

سخن‌های پدرام در پاسخ به چنین سوال‌هایی بی‌سخن می‌شوند!

همه این‌ها وجوب را در تنور می‌ریزیم؛ جاروب را در رسوب زور می‌بیزیم!

سوال اصلی یکی دیگر است؛ سوال اصلی این است که چگونه است که پدرام آشکارا علیه همه عاملانی سخن می‌گوید که بازیکنان اصلی اوضاع جاری در افغانستان هستند، اما با این همه پدرام بی‌دغدغه و آرام و با سیمای بهرام در وسط یک چارراه نارام ایستاده است؛ و مگس بر سر ابرویش گس نمی‌زند؟

آیا پدرام یک «قهرمان» است؟ و یا یک «ضد قهرمان» است؟

در افغانستان این تلاش جریان داشته است و جریان دارد تا یک جنگی را که جنگ افغانان نبوده است؛ و جنگ افغانان نیست؛ این جنگ را به میان افغانان منتقل بسازند و به یک جنگ خود افغانان مبدل بسازند؛ پدرام یک پرسوناژ این بازی در افغانستان است؛ اگر خودش بداند و یا نداند!

پدرام از سیمایهایی است که پی برده است که سینمای جنگ و تجزیه در افغانستان را، که یک سینمای خارجی است، در میان خود افغانان در پرده بیاندازد؛ آن هم با همین بی‌پرده‌گی!

از سینما تا نیما، پدرام شبهه خود را از این شبج برهاند که مبادا یک سینما باشد!

این یک بازی، و یک صحنه‌سازی، و یک فریب عظیم است که اینک دو بازیگر در مقابل هم ظاهر ساخته شده‌اند: پدرام و حکمتیار! شفیع عیار، هم، همین مقابله پدرام و حکمتیار را می‌بیند؛ تکرار می‌نویسیم:

### «پدرام مثل حکمتیار یک جوز پوچ است!»<sup>۳</sup>

چیزهایی را که همین اکنون به بازی و به بزازی از ما پاره می‌کنند، بسیار حیاتی‌تر از چیزهایی هستند که به خاکبازی از ما آواره می‌کنند؛ این‌جا در جای‌کارد، پنبه می‌کارند!

کی گفته که در گویا «عدالت افقی» جناب پدرام بحث نه شود؟

---

<sup>۳</sup> - شفیع عیار؛ مؤرخ ۲۰۱۷، ۱۲، ۱۶

پدرام چی گواهی دارد که در این درام با «عدالت افقی»، کدام «افق» نو می گشاید؟ عدالت را که خود یک «افق»، مندرج است، چگونه جناب پدرام در «افقی» سر کج بسازد؟ کی گفته که پدرام چشم انداز عدالت را در پستوی کدام مُستوی پست بسازد؟ هرگاه عدالت را با قدرت و با سلطه رابطه می دهیم، راهی به «عدالت قومی» جناب پدرام گشوده نمی شود، بل راه به دیدگاه انارشیستی از عدالت گشوده می شود؛ و این دیدگاه، به نقد خود مفهوم «قوم» می انجامد، از این نظر که قوم را چون یک «مجموعه از روابط قدرت» منظور می کند؛ کی گفته که این همانست که جناب پدرام «عدالت قومی»<sup>۴</sup> می نامد؟ کاملاً برعکس با نگاه به مواد تاریخی که ما در دسترس داریم، این دیدگاه بمعنای تلاش برای ریشه کن ساختن «باز تولید فرهنگ استبدادی» است؛

چگونه است که پدرام که سخن می گوید، اصلاً سخن نمی گوید از این که ترجیح بند «عدالت قومی» یک تناقض آشکار است؟ کی گفته که در «عدالت قومی» جناب پدرام، یک برنامه برای تحقق عدالت مضمّن است؟ کی گفته که مفهوم «قوم» متضمن تمایز، و تمایز های بسیار خشن، نیست؟ و در آینده چنین نمی شود؟ کی گفته که عدالت، اصلاً الغای تفاوت ها است؟<sup>۵</sup>

پدرام اول حساب بدهد که عدالت افقی جناب شان، بلحاظ مضمونی چی چیز تازه ای دارد؛ و چرا همان «عدالت توزیعی» نیست؛ که دستکم ده قرن کهنه است؛ چگونه است که جناب پدرام از مبحث «قرارداد» و «مواضعه» در نظریه عدالت به ما اطلاعی نمی دهد؟

چگونه است که جناب پدرام در بی بی سی، در مباحثه فدرالیزم، با ادعای «عدالت افقی»، عمودی می شود؛ اما در برابر سوال آن جوان شاگرد، خمودی و جمودی می شود: شما از کجا می گوئید که مشکل افغانستان یک مشکل قومی است؟<sup>۶</sup> حقیقتاً و بسیار جدی می پرسیم که پدرام چه دلیلی دارد که می گوید «ما مشکل قومی داریم»؟<sup>۷</sup>

برای جناب پدرام از سید عسکر موسوی نقل می کنیم:

«مشکلات قومی در افغانستان مصنوعی است. اقوام با هم مشکل ندارند. افراد با هم مشکل دارند. ۹۰ فیصد مردم افغانستان با هم مشکل ندارند... مشکل قومی در افغانستان نداریم. این یک اشتباه است. مشکل در ایللیت های قومی است. بحث اقوام در افغانستان اشتباه است...»<sup>۸</sup>

کی گفته که این «عدالت افقی» جناب پدرام، یک مسأله تأخیر ناپذیر ما است؟ ما چی دلیلی داریم که نگوئیم که پدرام با «عدالت افقی» اش چشم روشنفکر ما را بر مسایل حقیقتاً تأخیر ناپذیر کنونی ما می پوشاند؟

چگونه است که پدرام با این «مشکل قومی» خود، راه می گشاید برای این که همان جریانات فوق نیرومندی با ضریب های نو، بالای شانه های مردم ما بار ساخته شوند، که دیرپست ما را موضوع عمل خود قراردادده اند؟ چگونه است که

<sup>۴</sup> - پدرام؛ مورخ ۰۸،۰۲،۲۰۱۵ و ۰۳،۰۵،۲۰۱۸

<sup>۵</sup> - مایکل والر: حوزه های عدالت- در دفاع از کثرت گرایی و برابری؛ ترجمه صالح نجفی؛ تهران ۱۳۸۹

<sup>۶</sup> - بی بی سی؛ پرگار: بحث درباره فدرالیزم در افغانستان؛

<sup>۷</sup> - پدرام؛ مورخ ۰۸،۰۲،۲۰۱۵

<sup>۸</sup> - موسوی؛ میتر؛ مورخ ۱۲،۱۲،۲۰۱۵

جناب پدرام معترف نیست، که خودش سوار بر هودج همین موج «بلند وُلْتاج»، از راج افغانستان باج می گیرد؟ چگونه است که جناب پدرام معترف نیست که با ادعای «مشکل قومی»، جریان «هژمونی قومی» را چون یک مانع بالا می کشد تا یک جریان نیرومند و سرتاسری «هژمونی ضد جنگ» تاسیس نه شود؟

کی گفته که ما بحث در عدالت را از این آغاز نکنیم که هر جنگی یک حرکت است در سلب «حق زندگی» و «حق آزادی»؟ کی گفته که بحث در عدالت در شرایط ما یک بحث سلبی نیست؟ کی گفته که عادلانه ترین ندا در نزد ما «نکنید!!!!!!» نیست؟

پایان قسمت پنجم